

#### اخبار

## «ال چاپو»ی آسیا در آمستردام دستگیر شد

پلیس هلند اقدام به دستگیری رئیس یکی از بزرگ‌ترین باندهای قاچاق مواد مخدر در جهان کرده که حکم جلب او در استرالیا صادر شده است. به گزارش بی بی سی، گفته می‌شود «سه‌چه لاپ» (Tse-ChiLop) رئیس باند قاچاق مواد مخدر است که به بازار ۷۰۰ میلیارد دلاری تجارت غیر قانونی مواد مخدر در آسیا سلطه دارد. نام او در فهرست بزرگ‌ترین فراری‌های جهان بود که در فرودگاه اسخیپول در آمستردام دستگیر شد. پلیس فدرال استرالیا معتقد است که باند متعلق به این مجرم مسئول ۷۰ درصد واردات مواد مخدر به این کشور است. سه‌چه لاپ که ۵۶ سال دارد، باواکین ال چاپو قاچاقچی بزرگ مواد مخدر مکزیک مقایسه می‌شود. خبرگزاری رویترز از او به عنوان «بزرگ‌ترین مرد فراری آسیا» نام می‌برد و می‌افزاید: برآوردهای سازمان ملل نوشت که درآمد «سندیکا» فقط از بابت فروش متامفتامین در سال ۲۰۱۸ احتمالاً به ۱۷ میلیارد دلار می‌رسید.

## نجات ۲ نفر از زیر آوار یک منزل مسکونی در مشهد

سرپرست منطقه ۳ آتش‌نشانی شهر مشهد از تلاش نفس‌گیر و موفقیت‌آمیز آتش‌نشنان در ایستگاه برای نجات دو فرد گرفتار زیر آوار یک منزل مسکونی در روستای برزش آباد در حومه مشهد خبر داد و افزود: به دلیل شدت حادثه این منزل مسکونی ۱۰۰ درصد تخریب شد و دو جوان ساکن آن با جراحت زیاد به بیمارستان منتقل شدند. به گزارش آتش‌نشانی مشهد، سرآتشیار علی محمد کاظمی با اشاره به اعلام حادثه انفجار توم‌آوار منزل مسکونی داخل یک دامداری و گرفتار شدن افراد زیر خروارها خاک طی شامگاه شنبه به سامانه ۱۲۵، ادامه داد: با حضور آتش‌نشنان و نجاتگران آتش‌نشانی در محل مشخص شد، حجم انفجار توم‌آوار با اور به حدی بوده که واحد مسکونی به صورت کامل ویران شده‌و افرادی زیر خروارها خاک ناشی از ریزش آوار گرفتار شده‌اند که نجاتگران آتش‌نشانی ضمن رعایت نکات ایمنی و تثبیت محل اقدام به عملیات برای نجات این افراد کردند و خوشبختانه پس از دقایقی تلاش نفس‌گیر و طاققت فرسا آتش‌نشنان موفق شدند دو مرد ۱۸ و ۴۲ ساله را به طرز معجزه‌آسایی نجات دهند و از زیر آوار خارج کنند. این افراد برای سیر مراحل درمانی و انتقال به بیمارستان تحویل تکنیسین‌های اورژانس حاضر در محل شدند. وی ادامه داد: شواهد از نشت گاز مایع و انفجار سیلندر در این منزل حکایت دارد.

## کوتاه از حوادث

**\*مهر/**حادثه‌راندنگی میان سه خودروی پژو ۴۰۵، پرسیا و پراید در محور مرغه به هشت‌رود سه کشته‌و پنج‌زخمی درپی داشت.

**\*ایرنا/** صابریان رئیس مرکز اورژانس تهران از تصادف یک دستگاه اتوبوس مسافرتی بین‌شهری با یک دستگاه کامیون، حوالی شهری در حسن‌آباد قشاقویه طی اامداد دیروز خبر داد و گفت: در این تصادف ۲۲ نفر از سرنشینان اتوبوس مصدوم شدند. **\*ایرنا/**سرهنگ باقری فرمانده انتظامی شهرستان همدان گفت: باامداد دیروز جوان ۲۴ ساله‌ای بر اثر سقوط ازبل شهبیدقهرای سعیدواقع درروزی غربی شهرستان همدان، جان خود را از دست داد. تحقیقات برای کشف دقیق علت حادثه (سقوط از ارتفاع) توسط نیروهای متخصص پلیس ادامه دارد.

**\*ایسنا/**سرهنگ پیمان احمدی رئیس کلانتری ۱۳۵ ازآدی از دستگیری سه‌زورگیر مسافرش‌نما خبر داد و گفت: سارقان به ۲۰ فقره‌زورگیری تحت پوشش مسافرش‌کشی اعتراف کردند.

**\*باشگاه خبرنگاران جوان/**سرهنگ شریفی رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی از دستگیری دوسارق منزل که اموال مال‌باخته را به ارزش ۲۵ میلیاردریال سرقت کرده بودند، خبر داد و گفت: با کشف مقداری از اموال سرقتی سارقان روانه زندان شدند.

**\*باشگاه خبرنگاران جوان/**سرهنگ معظمی رئیس پلیس فضای تولیدو تبادل اطلاعات تهران از دستگیری کلاهبراری که باترفندرفروش خشکبار ۱۰ میلیاردریال کلاهبرداری کرده بود، خبر داد.

**\*باشگاه خبرنگاران جوان/**سرهنگ ناصری نژاد جانشین پلیس پیشگیری تهران از دستگیری یک مامورقلایی در محدوده‌بازار خبر داد.

**\*باشگاه خبرنگاران جوان/**سرهنگ میرزکی معاون مبارزه با سرقت وسایل نقلیه پلیس آگاهی تهران از دستگیری اعضای دو باند سرقت لوازم خودروود دستگیری مالخراموال سرقتی خبر داد.

**\*ایرنا/**سردار طاهری فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان گفت: افزون‌بر ۲۲۴ هزار لیتر سوخت قاچاق طی هفته گذشته توسط ماموران نیروی انتظامی در این استان کشف شده‌است.

**سجاد پور** - سیزدهم خرداد سال گذشته راننده یک دستگاه پژو ۲۰۷ با شلیک های هولناک از سلاح کلاشینکف به طرز وحشتناکی به قتل رسید و عاملان جنایت با استفاده از یک دستگاه پراید ۱۱۱ از محل گریختند. بررسی های کارآگاهان پلیس آگاهی در این باره نشان داد که مقتول یکی از معروف ترین عاملان شرارت در مشهد است که خردادسال ۹۴ به همراه دوشورور دیگر در شهر چرخانده شدند. به گزارش خراسان، از سوی دیگر تحقیقات گسترده پلیسی برای دستگیری عاملان فراری این جنایت وحشتناک در حالی آغاز شد که برخی از متهمان بازداشت شدند ولی دو متهم اصلی همچنان فراری بودند. در این میان بررسی های کارشناسی و تخصصی با بازبینی آثار گلوله هاروی خودروی پژو ۲۰۷ بیانگر آن بود که «مهدی -ر» (یکی از متهمان فراری) نقش اصلی را در این جنایت ندارد زیرا گلوله ها از سمت راننده شلیک شده بود در حالی که تحقیقات میدانی کارآگاهان نشان داد مهدی (متهم فراری) در شب وقوع حادثه از سمت شاگرد در حال گفت وگو با طالب (مقتول) بوده است. به همین دلیل عملیات پلیسی به سرپرستی سرهنگ نجفی روی دستگیری «محمد ضا -ق» (یکی دیگر از متهمان فراری) متمرکز شد تا این که وی بیست و هشتم دی با صدور دستورات ویژه ای از سوی قاضی دکتر حسین زرقانی (قاضی ویژه قتل عدم مشهد) در مخفیگاهش دستگیر شد و راز این جنایت هولناک را افاش کرد. آن چه می خوانید گفت وگویی اختصاصی خراسان با عامل تیرباران شرور معروف مشهد است.

**چند سال داری؟** ۲۸ ساله هستم! **متاهلی؟** ازدواج رسمی نکردم اما همسران من صیغه ای بودند.

**تا کلاس چندم در س خواندی؟** سوم دبیرستان بودم که دیگر در س و مدرسه ر اها کردم.

**چرا؟** از همان دوران نوجوانی خیلی شر بودم! دماذ با مدرسه اخراج می شدم با فرار می کردم تا با دوستانم باشم!

**در چه رشته ای تحصیل کردی؟** علوم انسانی خواندم، البته استعداد خوبی داشتم! اگر درس می خواندم کسی به پای من نمی رسید. از مومن گواهی نامه راندگی را بدون غلط قبول شدم.

**به چه چیزی علاقه بیشتری داشتی؟** به ورزش علاقه مند بودم.

**چرا از مدرسه اخراج می شدی؟** غرور داشتم، دعوا می کردم. می خواستم یک سرو گردن بگیرم! **بعد از ترک تحصیل چه کردی؟** پدرم نقاش ساختمان بود، من هم با او سرکار می رفتم اما مدتی بعد خودم استاد کار شدم.

**مشربو هم خورد ه ای؟** بله! اولین بار با دوستانم زمانی که نوجوان بودم و مدرسه می رفتم-مقداری مشربو معروف به عرق سگی خریدیم و در کوه های خلج استفاده کردیم.

**بعد هم به این کار ادامه دادی؟** بله! هفته ای دو یا سه بار به بیابان یا خانه های دوستانم می رفتم و مصرف می کردم ولی بعد از آن دیگر خودم به خرید و فروش مشربو روی آوردم.

**خلافکاری را از چه سنی شروع کردی؟** از ۲۰ سالگی وارد کار های خلاف شدم، آن زمان خانه مجردی اجاره کرده بودم و به هر کار خلافی دست می زدم.

**یعنی با پدر و مادر ت قطع رابطه کردی؟** نه، گاهی به آن هاسر می زدم ولی در آن خانه مجردی به ساخت مشربو یا مواد فروشی مشغول بودم.

**پدر و مادر ت طلاق گرفته اند؟** نه، آن ها با هم زندگی می کنند.

**چند بار دستگیر شدی؟** یادم نیست، چندین بار دستگیر شدم.

# عامل تیرباران شرور معروف مشهد در گفت وگو با خراسان اعتراف کرد آدمکشش برای خودنمایی!

**اولین بار به چه جرمی بازداشت شدی؟** اولین بار در بولوار فرودگاه مشهد به خاطر دوستانم دعوا کردم، آن هم با بچه های محله قلعه ساختمان بود! آن ها عروس کشان داشتند، ما هم با موتور بودیم و با یکی از بدرقه کنندگان عروس به کل

کل پرداختیم که دعوا شروع شد چون مشربو هم خورده بودیمو...

**چند ماه زندان بودی؟**

هفت ماه را در زندان سپری کردم. سال ۹۵ بود که برای اولین بار طعم زندان را چشیدم. آن روز در حالی که مست بودم به خاطر دعوای دوستانم به یک کافه رفتم و آن کافه را به هم ریختم. یکی را مجروح کردم و بعد روانه زندان شدم.

**فیلم زیاد نگاه می کنی؟** تقریباً! در کودکی بیشتر فیلم فارسی می دیدم ولی بزرگ تر که شدم فیلم های ماهواره ای را بیشتر تماشا می کردم.

**چه نوع فیلمی را بیشتر می دیدی؟** فیلم های تاریخی و پلیسی مانند و ایکینگ ها و گروه ضربت!

**این فیلم ها در خلافکاری های ت تاثیر داشت؟** البته بی تاثیر نبود ولی من از فیلم هایی که تبهکاران و خلافکاران در پایان فیلم دستگیر می شوند تفر عجیبی دارم!

**چند بار دعوا کردی؟** اگر منظور درگیری و نزاع است که شاید بیشتر از ۵۰ بار درگیر شدم ولی هر بار با پول ماجرا را حل کردم که به شکایت نرسد!

**با قاچومی زی دی؟** با همه چیز، اولین بار شیشه نوشابه اشکستم و جوانی را زخمی کردم که ۴ میلیون هم دیده ادم!

**هیچ وقت تصمیم نگرفتی از خلاف و**

**شرارت دست برداری؟** با هارتصمیم گرفتم اما نمی شد! در واقع مردم نمی گذاشتند، هر جادعوا می شده به من زنگ می زدند، من هم به خاطر خودنمایی و غرور به کمک آن هاسر رفتم و دیگران را تنگ می زدم! به مدت دو سال همه چیز را کنار گذاشتم ولی مدام خبر می آمد که فلانی پشت سرت حرف می زند! چند بار نادیده گرفتم ولی آخر مجبور شدم او را ادب کنم. وقتی در کار خلاف و خودنمایی افتادی، اگر داخل گور هم بروی، دیگران نمی گذارند!

**تا به حال عاشق شدی؟** بله، تا کنون دو بار داشق شدم! اولین نفر یک دختر ۱۷ ساله بود که وقتی تحقیق کردند و شنیدند از اراذل و

اوباش هستم دخترشان را اندادند!

**تو که همسر صیغه ای داشتی؟** مادرم می گفت اگر ازدواج کنی آدم می شوی!

**بار دوم چه شد؟** سال ۹۴ بود که زنی شماره تلفن مرا پیدا کرده بود و با من تماس گرفت، بعد از شش ماه که به منزل مجردی ام می آمد تصمیم به ازدواج گرفتم ولی او هم وقتی اخلاق و رفتار مرا دید، منصرف شد و فرار کرد.

**هزینه های ت را چگونه تامین می کردی؟** با خرده فروشی مواد مخدر! یک دستگاه موتور سیکلت خریده بودم، معنادان تماس می گرفتند و من هم مواد را برایشان می بردم.

**طالب را برای چه کشتی؟** به خاطر دوستم مهدی (متهم فراری)

**چرا؟** آن روز به من زنگ زد و گفت که با کسی دعوا کرده است، من هم مثل همیشه به خاطر خودنمایی اسلحه کلاشینکف را از منزلم برداشتم و به محل قرار آن ها رفتم و به سوی طالب شلیک کردم.

**رگبار بستی؟** نه! آن تنگ تر شلیک کردم اما تعداد زیادی گلوله به در عقب و جلو زدم که مثل رگبار به نظر می آمد.

**با طالب خصومت داشتی؟** نه، فقط به خاطر دوستم رفتم. در واقع همه دعوا های من به خاطر دوستانم بود! وقتی با من تماس گرفت در حال اسباب کشی بودم ولی آن را رها کردم و به کوچه خندق فتم، جایی که محل قرار مهدی و طالب بود.

نمی دادم. وقتی به لحظه اعدام قاتل فرزندم فکر می کردم هر گز نمی توانستم آن صحنه و داغدار شدن یک مادر دیگر را ببینم، گفتم جانی که خدا داده را در خودش می گیرد و بعد از این تصمیم دیگر همه چیز را به خدا واگذار کردم. پدر مقتول هم اظهار کرد: منتهمی که فرزندم را به قتل رسانده، گویا خودش پدر مرگ رفتی و برگشته و جانی دوباره گرفته است، امیدوارم زمانی که از زندان بیرون آمد بتواند گذشته اش را جبران و به جامعه خدمت کند.

## دستگیری دختر سارق فراری از خانه

خودرو خوابیده بود مواجه شدند که با استعلام از مرکز پیام سرقتی بودن خودرو مشخص شد. فرمانده یگان امداد افزود: دختر جوان پس از بیدار شدن و دیدن ماموران بلافاصله پا به فرار گذاشت و پس از یک کیلومتر تعقیب و گریز به صورت پیاده توسط ماموران دستگیر شد. آدینه‌وند با بیان این نکته که در بررسی‌های اولیه مشخص شد دختر جوان از خانه فرار کرده، اظهار کرد: متهم در اظهارات اولیه خود به سرقت خودرو از جلوی نانوايي اعتراف و دليل سرقت خودرو را بي خانمانی و فرار از خانه اعلام کرد.

ردیف	موضوع مناقشه	شماره مناقشه	مدت دوره شکایت از مناقشه (رأی)
۱	خرید ۲۰ آستون اسلام بیدانی و مسافرانی هوانس الکترودکس و ساران	۲۹۰۱	۲۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	خرید ۴ آستون اسلام بیدانی و مسافرانی هوانس الکترودکس و ساران	۲۹۰۲	۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	خرید ۴ آستون اسلام بیدانی و مسافرانی سوره الکترود نطقه هوانس سوزان و ساران و خرید ۲ آستون اسلام بیدانی و مسافرانی سوره الکترود نطقه هوانس زانگان	۲۹۰۳	۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	خرید ۲۵ آستون اسلام بیدانی و مسافرانی سارا سوسی و آونوسوسو منطقه هوانس زانگان	۲۹۰۴	۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۵	خرید ۲۹ آستون اسلام سوزان و ساران	۲۹۰۵	۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۶	خرید ۲۰ آستون اسلام سوزان و ساران	۲۹۰۶	۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۷	خرید ۲۰ آستون اسلام سوزان و ساران	۲۹۰۷	۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

مقتضای می توانند جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقشه (یک یا هر هفت مناقشه) از تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۰۶ لغایت ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ به شرح ذیل اقدام نمایند.
۱- نحوه دریافت اسناد مناقشه: بصورت حضوری از واحد بازرگانی ایران خودرو خراسان در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵ و یا از طریق سایت اینترنتی www.ikko.ir و یا تماس با شماره های تلفن ۰۲۱-۲۳۵۶۳۰۵۰ و ۰۲۱-۹۰۱۰۳۳۵۶۳۵۰ داخلی (۲۰۲۱)

۲- محل دریافت و تحویل اسناد مناقشه: شرکت ایران خودرو خراسان ، کیلومتر ۵۵ جاده مشهد-نیشابور دفتر مدیریت عامل در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۴

(شرکت ایران خودرو خراسان در رد یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار است)

#### ارتباطات و امور بین الملل

## حوادث

## ۹

#### در امتداد تاریکی

### فر جام هولناک دختر بلند پرواز!

اگر چه هنوز در سال های اول جوانی قرار دارم اما قصه خلافتکاری های من مثنوی هفتاد من کاغذ است، چون خیلی زود به بیراهه رفتم تا جایی که ...

زن ۲۴ ساله که در یکی از پاتوق های سیاه خلافکاری دستگیر شده است، با بیان این که اعتیاد، حس مادری را در وجودم کشته بود اما اکنون دلم برای فرزندم تنگ شده است، درباره سرگذشت اسف بار خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری فیاض بخش گفت: در یک خانواده ۹ نفره و در یکی از شهرک های اطراف ساری به دنیا آمدم، هفت خواهر و برادرم از دواج کردند اما من که به تغاری و عزیز در دانه خانواده بودم بعد از پایان مقطع راهنمایی ترک تحصیل کردم و در کنار مادرم به امور خانه داری پرداختم. پدرم کشاورز بود و باز حمت می توانست با کاشت برنج در زمین کوچکش مخارج زندگی ما را تامین کند. با این حال من دختری کنجکاو و بلندپرواز بودم که در آرزوها و رویاهای خودم سیر می کردم. وقتی به سن بلوغ رسیدم دوستان زیادی پیدا کردم و با آن ها به تفریح و خوش گذرانی می رفتم. هر پسری که در خیابان به من لبخند می زد یا با جملاتی محبت آمیز سخن می گفت، بلافاصله عاشقش می شدم و با او ارتباط برقرار می کردم. بر اثر معاشرت با دختران و پسران، مصرف ششیش و کشیدن سیگار را آغاز کردم. به خاطر کنجکاوی و خوش گذرانی هر نوع ماده مخدری را تجربه می کردم. چند بار نیز به اتهام رابطه نامشروع توسط پلیس دستگیر شدم. اما باز هم نتوانستم دست از خلافکاری هایم بکشم. به نصیحت های هیچ کس نیز گوش نمی دادم و در منقلب فساد بعد از دودم تا جایی که دیگر به دختری معتاد و لوگرد تبدیل شدم.

حدود دو سال قبل بود که از طریق فضای مجازی با پسری اهل یکی از شهرهای مرزی خراسان رضوی آشنا شدم. «بهپود» کارگر ساده ساختمانی بود که به صورت روز مزدی کار می کرد و ما از طریق تلفن و شبکه های اجتماعی با هم در تماس بودیم. خیلی زود به بهپود نیز دل باختم و برای دیدار او، بدون اطلاع خانواده ام از ساری به خراسان رضوی آمدم. بهپود که مانند من معتاد بود، در یک خانه مجردی زندگی می کرد و از چشم خانواده اش افتاده بود. من هم در کنار او ماندم و هر دو نفر پای بساط مواد مخدر می نشستیم اما زمانی که به طور ناخواسته باردار شدم، بهپود با وجود مخالفت شدید خانواده اش با من از دواج کرد. خانواده او که امید داشتند روزی او مصرف مواد مخدر را ترک کند و به آغوش خانواده اش باز گردد، بعد از ازدواج مان به کلی ناامید شدند و او را برای همیشه طرد کردند، چون معتقد بودند بعد از ازدواج با دختری معتاد و فراری دیگر نمی تواند به یک زندگی آرام و بی دغدغه باز گردد. به همین دلیل خانواده بهپود ما را مجبور کردند برای حفظ آبروی شان از آن شهر کوچک مهاجرت کنیم.

خلاصه من و همسر در حالی به مشهد آمدمیم و خانه ای در حاشیه شهر اجاره کردیم که دیگر هر نوع مواد مخدر صنعتی را استفاده می کردیم. شوهرم نیز گاهی سر گذر می رفت و با کارگری در امور ساختمانی سعی می کرد هزینه های مواد مصرفی ما را تامین کند اما در آمد او به اندازه مصرف یک وعده من نیز نبود، به همین دلیل من برای تهیه مواد مخدر تن به هر کاری می دادم تا جایی که از گدایی کردن و جمع آوری ضایعات نیز ابایی نداشتم. در همین روز ها بود که دخترم به دنیا آمد و همسرم مجبور شد هر روز سر کار برود تا بتواند مواد مخدر مصرفی مرا تامین کند. ولی چند ماه قبل، ز زمانی که همسرم روی دار بست یک ساختمان مشغول نم کاری بود، ناگهان از بالای دار بست سقوط کرد و به کما رفت. در این شرایط خانواده اش به مشهد آمدند و او را به یکی از بیمارستان های شهر محل تولدش انتقال دادند. آن ها حتی دخترم را که نوزادی چند ماهه بود از من گرفتند و به شهرستان بردند. با این حال من هیچ مقاومتی نکردم چون نمی توانستم از او مراقبت کنم. در واقع حس مادری را از دست داده بودم و تنها با مواد مخدر زندگی می کردم و با آن عجين بودم. بعد از این ماجرا در حالی بی کس و بی پول شدم که حتی جمع آوری ضایعات نیز به سختی برایم امکان داشت. در این وضعیت و به پیشنهاد یکی از دوستانم وارد پاتوقی شدم که محل استعمال مواد مخدر و خلافتکاری بود اما نمی دانستم ماموران انتظامی مدتی است به خاطر حضور سارقان و رفت و آمدهای مشکوک به آن پاتوق، آن جا را به طور غیر محسوس زیر نظر گرفته اند و زمانی که من وارد آن مکان شدم در یک لحظه ماموران کلانتری فیاض بخش از راه رسیدند و همه ما را دستگیر کردند. حالا هم فقط دوست دارم یک بار دخترم را به آغوش بکشم...

شایان ذکر است، تحقیقات پلیس با صدور دستوری از سوی سرهنگ امیرعباس نادی (رئیس کلانتری فیاض بخش) در این باره ادامه دارد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی